

جنگل آسفالت یا دست‌های سیاه بر گلوی نظام‌های مالی! بررسی جرم پول‌شویی در حقوق ایران

محسن مجیدی

مهندس برق و دانشجوی کارشناسی حقوق
دانشگاه شیراز



■ پرده اول: مفت‌کش‌ها به بهشت نمی‌روند!

مفت کشی؟! این دیگر از آن اصلاحات عجیب و غریب اقتصاد کف بازار است که اولین بار ایرج آن را برای امیر و هنگامه توضیح می‌دهد. برای اینکه شخصیت‌های داستان جالب و دراماتیک و پر از تعلیق مفت‌کش‌ها را خوب درک کنید باید یک بار هم شده سری به سریال خانگی جنگل آسفالت زده باشید. در یکی از سکانس‌های این سریال جذاب این روزهای سینمای خانگی، ایرج برای امیر و هنگامه مفت کشی را به عنوان یک کار بی‌سرو و ته توضیح می‌دهد که هیچ چیزش به هیچ کجا وصل نیست و فقط باید یک مقدار سکه را با خود به محل مشخصی ببرند و با دلار جایگزین کنند بدون هیچ سؤال! اصلاً سؤال پرسیدن در مفت کشی خودش عقوبت دارد. هنگامه هم فقط می‌پرسد: "چقدرش به ما می‌رسد؟! این یعنی قرار است بیننده داستان مفت‌کش‌ها را ببیند و حرص بخورد بدون آنکه سردر بیاورد منشأ پول‌ها از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. عبارت منشأ پول‌ها را خوب به خاطر داشته باشید؛ چون قرار است در این یادداشت بارها به سراغ آن برویم. روز موعود فرا می‌رسد و حالا نوبت امیر و هنگامه است که سکه‌ها را بشمارند و دلارها را بدون شمردن تحویل بگیرند. مکان؛ شیطون بازار! اگر مثل نویسنده این یادداشت از انسان‌های عادی هستید که صبحانه را تنهایی و ناهار و شام را با بی‌هیچ هیجانی با روزمرگی تمام با خانواده پای اخبار ساعت ۹ شب می‌خورند مطمئناً قرار است از شنیدن این اصطلاحات شاخ در بیاورید و به لایه‌های زیرین اجتماعی بروید که سال‌ها است همه نوع فساد در آن رخنه کرده است و شما بی‌خبرید. برگردیم به بازار خلایق تهران یا همان شیطون بازار! پارکینگ طبقاتی این بازار محل تحویل سکه‌هاست و جایی است که باید در یک محیط ناآشنا و خطرناک، سکه‌ها را تحویل یک ون

نامعلوم‌الحال بدهند و به جایش چند هزار دلار بگیرند و بروند پی کارشان. اما قضیه به این راحتی‌ها نیست و امیر در مخمصه‌ای گیر می‌کند که به نظر می‌رسد از قبل برایش تدارک دیده شده است و دلارها هیچ‌وقت به صاحب اصلی‌اش که قرار بود برسد نمی‌رسد. داستان پژمان تیمورتاش، کارگردان فیلم از اینجا شروع می‌شود و اگر میل به حرص خوردن پای سریال‌های ایرانی دارید سکانس‌های بعدی را از دست ندهید؛ چون شما قرار است فقط شاهد یکی از حلقه‌های زنجیره تأمین پدیده‌ای به نام پول‌شویی در یک درام هیجان‌انگیز باشید...

■ پرده دوم: پول‌شویی بیرون از درام مفت‌کشی!

کمی از فیلم‌های ایرانی فاصله بگیریم و به سراغ فضای غبارآلود جامعه‌ای زاده از جزیره مرموز سیسیل برویم. جزیره‌ای که آل کاپون متولد آن نیست؛ اما ریشه خانوادگی‌اش مثل تمام گانگسترهای دنیا و البته خیلی‌های دیگر از جمله گادفادر معروف به همین جزیره ایتالیایی بر می‌گردد! در ۱۹۲۰ میلادی در آمریکا تقریباً تمامی لایه‌های نظام سیاسی و اقتصادی درگیر فساد سازمان‌یافته شده بود و کاپون‌ها پول حاصل از فروش غیرقانونی مشروبات الکلی را در رخت‌شویه خانه‌های معروف آل کاپون تطهیر می‌کردند! تطهیر پول مفهومی واقعاً متفاوت با طهارت هر چیزی از ناپاکی دارد، زیرا کاپون به صورت سازمان‌یافته با عملیات پول‌شویی، پول‌هایی که از منشایی فاسد حاصل شده بود را به وسیله یک عملیات پیچیده و در قالب سندهای جعلی رخت‌شویه خانه‌های مخفی و تبدیل به پول پاک می‌کرد تا مشخص نشود این پول‌ها از کجا آورده شده است. نقطه مشترک داستان آل کاپون و جنگل آسفالت، عارضه‌ای سنگین برای نظام‌های مالی به نام پول‌شویی



است. Money Laundering یا پول شویی به عملیاتی گفته می‌شود که در آن منشأ پول‌های حاصل از جرائم، مخفی می‌شود یا به گفته استاد میرمحمد صادقی "این روند مثل شستشو خانه یا ماشین لباس شویی که چرک و کثافات را از لباس‌ها جدا می‌کند با جدا کردن کثافات ناشی از جرم آن را پاک می‌کند". دلیل اینکه قرار شد هیچ سؤالی در مورد منشأ پول‌ها در جنگل آسفالت پرسیده نشود هم همین است. دقیقاً بیخ گوش ما در همین جامعه، افرادی هستند که پول‌هایی که از مبدایی نامشخص و عمدتاً غیرقانونی حاصل شده است را با عملیاتی پیچیده به پول تمیز تبدیل می‌کنند تا بتوانند به ثروت بی‌حد و حصر خود بیفزایند. معمولاً در تعریف پول شویی سه نوع پول کثیف دسته‌بندی می‌شود که عبارت است از: پول‌های خاکستری که ناشی از فرار مالیاتی است، پول‌های سیاه که ناشی از رشوه‌خواری، ارتشا، معاملات تسلیحاتی و کودتاهاست و پول‌های آغشته به خون که حاصل فروش مواد مخدر است.

پول شویی عملیاتی است که عمدتاً دارای سه مرحله تزریق، لایه‌بندی و ادغام است. در مرحله تزریق ابتدا هر ارتباطی که بین پول‌ها و منشأ مجرمانه آن است قطع می‌شود؛ یعنی باید در درجه اول پول‌ها خرد شده یا از کشور خارج شود تا مشخص نشود از چه محلی به دست آمده است. به عنوان مثال کافی است با این پول که به چندین قسمت تقسیم شده است اشیای قیمتی یا آثار هنری خریداری شود یا به بانک‌های خارج از کشور منتقل شود تا در آنجا با مبالغ پایین‌تر سپرده‌گذاری شود. در مرحله دوم نوبت به لایه‌گذاری می‌رسد. در این مرحله باید منافع حاصل از جرم مولد با استفاده از ایجاد لایه‌هایی پیچیده از معاملات پوشانده شود دقیقاً مانند یکی از مراحل که امیر و هنگامه وظیفه آن را به عهده داشتند. معمولاً این کارها با شرکت‌های پوششی انجام می‌شود که با عملیات حسابرسی جعلی وظیفه لایه‌بندی را به عهده دارند. مرحله آخر ادغام است. هر کاری که در مراحل قبل انجام شده حال باید با هم ادغام شود تا پول حاصل از جرم به دست مجرم برسد. یعنی پول تپه‌پوش شده وارد سیستم اقتصادی کشور مبدأ می‌شود تا فرد مجرم بتواند از آن استفاده کند. این مرحله نیز از طریق ایجاد شرکت‌های بی‌نام یا با نام مستعار، ارسال صورت‌حساب‌های غیرواقعی صادرات و واردات و استفاده از مأمین‌های امن مالیاتی صورت می‌پذیرد. در گزارش ماهنامه اقتصاد در سال ۱۳۸۰ آورده شده: "شواهد بین المللی نشان می‌دهد به احتمال قوی بانک‌های دبی پناهگاه اصلی مالی تروریست‌ها در

نداشته باشند. خطرناک‌ترین نوع پول شویی، پول شویی معکوس است که در آن برای تامین مالی تروریسم از این پول‌های کثیف استفاده می‌شود و مشخص نمی‌شود گروه‌های تروریستی چطور توانسته‌اند تامین مالی شوند. این دقیقاً جایی بود که ۸ کشور جهان را به فکر واداشت تا در سال‌های بعد از ۲۰۰۱ و حادثه ۱۱ سپتامبر گروه اقدام مالی یا FATF را راه اندازی کنند و دولت‌ها را مجبور کنند تا شفافیت مالی خود را با پیوستن به این گروه نشان دهند. به طور خلاصه اقدامات زیادی در دنیا برای شفافیت مالی و جلوگیری از پول شویی انجام شده است که از جمله آنها می‌توان به پیمان نامه وین ۱۹۸۸، اعلامیه کمیته بال، تشکیل گروه ویژه اقدام مالی یا FATF، بازنگری آن در ۱۹۹۶، پیمان نامه شورای اروپا، الگوی تنظیمی سازمان ایالت‌های آمریکا و دستور العمل جامعه اروپا در ۱۹۹۱ اشاره کرد.

▣ پرده سوم: مبارزه با پول شویی در نظام حقوقی ایران

تا سال ۱۳۸۱ تقریباً در نظام حقوقی ما اثری از مبارزه با

خاورمیانه بوده‌اند. این بانک‌ها محلی برای عبور از گذرگاه پول شویی قرار می‌گرفته است". پول شویی به عنوان یک جرم اقتصادی تأثیر منفی چشم‌گیری بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها به جای می‌گذارد. در قطعنامه‌ای که در ژوئن ۱۹۹۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد، برآورد شد سالانه دست کم ۲ میلیارد دلار پول تپه‌پوش می‌شود که رقم بسیار بالایی است.

قسمت خطرناک ماجرا جایی است که قرار است مجرمی که پولی را با پول شویی به دست آورده است خرج کند. معمولاً این حجم از پول‌های زیاد خودش مفسده آور است به طوری که پلیس شیکاگو در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ میلادی به شدت به دست گانگسترها آلوده شده بود و دقیقاً این یعنی وای به وقتی که بگنند نمک. افرادی که که زنجیره‌های پول شویی را به هم متصل می‌کنند از پول‌های بادآورده برای فشار آوردن بر نظام‌های مالی، سیاسی و حتی اجتماعی استفاده می‌کنند و ممکن است دست به تغییر نظام‌های سیاسی کشورهای ضعیف‌تر بزنند تا بتوانند عوامل فاسد خود را در جایگاهشان مستحکم‌تر کنند و مانعی برای انجام اعمال مجرمانه

پول شویی جز چند عنوان کلی دیده نمی‌شود. تا اینکه در همان سال لایحه‌ای با همین عنوان به مجلس شورای اسلامی وقت تقدیم شد و در فاصله‌ای حدوداً ۷ ساله، این قانون به تصویب مجلس می‌رسد. تا قبل از قانون مبارزه با پول شویی می‌توان به اصول کلی قانون اساسی مانند اصل ۴۹ مراجعه کرد که عنوان می‌کند: "دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی بوسیله دولت اجرا شود." بر همین اساس در سال ۱۳۶۳ اولین قانون با عنوان از مبارزه با پول شویی با عنوان قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی تصویب می‌شود. در ماده ۵ این قانون آورده شده: "دادستان موظف است رأساً نسبت به اموال و دارایی اشخاص حقیقی یا حقوقی در موارد زیر که آنها را با توجه به دلائل و امارات موجود نامشروع و متعلق به بیت‌المال یا امور حسبه تشخیص دهد از دادگاه صالح رسیدگی و حکم مقتضی را تقاضا نماید." البته در سایر قوانین عادی نیز به مباحثی مانند سرقت، اموال حاصل از آن، اموال ناشی از قلب سکه و... پرداخته شده که به طور غیر مستقیم با پول شویی مرتبط است اما تا سال ۱۳۸۴ همچنان جای خالی قانونی اختصاصی در این باب به چشم می‌خورد. پیشنهادی پیشنهادی قانون مبارزه با پول شویی در ابتدای دهه ۸۰ توسط قوه قضاییه و با کسب نظر از اساتید و حقوقدانان در ۳۰ ماده و ۳۰ تبصره تهیه و تقدیم مجلس شد اما این لایحه به دلایلی ملغی شد. سرانجام با رفت و برگشت‌های متعدد در ترکیبی

پول شویی جز چند عنوان کلی دیده نمی‌شود. تا اینکه در همان سال لایحه‌ای با همین عنوان به مجلس شورای اسلامی وقت تقدیم شد و در فاصله‌ای حدوداً ۷ ساله، این قانون به تصویب مجلس می‌رسد. تا قبل از قانون مبارزه با پول شویی می‌توان به اصول کلی قانون اساسی مانند اصل ۴۹ مراجعه کرد که عنوان می‌کند: "دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی بوسیله دولت اجرا شود." بر همین اساس در سال ۱۳۶۳ اولین قانون با عنوان از مبارزه با پول شویی با عنوان قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی تصویب می‌شود. در ماده ۵ این قانون آورده شده: "دادستان موظف است رأساً نسبت به اموال و دارایی اشخاص حقیقی یا حقوقی در موارد زیر که آنها را با توجه به دلائل و امارات موجود نامشروع و متعلق به بیت‌المال یا امور حسبه تشخیص دهد از دادگاه صالح رسیدگی و حکم مقتضی را تقاضا نماید." البته در سایر قوانین عادی نیز به مباحثی مانند سرقت، اموال حاصل از آن، اموال ناشی از قلب سکه و... پرداخته شده که به طور غیر مستقیم با پول شویی مرتبط است اما تا سال ۱۳۸۴ همچنان جای خالی قانونی اختصاصی در این باب به چشم می‌خورد. پیشنهادی پیشنهادی قانون مبارزه با پول شویی در ابتدای دهه ۸۰ توسط قوه قضاییه و با کسب نظر از اساتید و حقوقدانان در ۳۰ ماده و ۳۰ تبصره تهیه و تقدیم مجلس شد اما این لایحه به دلایلی ملغی شد. سرانجام با رفت و برگشت‌های متعدد در ترکیبی

پرده آخر: تسلیم یا مقاومت در برابر عضویت در FATF

شاید آخرین سخن این یادداشت را باید به بحث روز پیوستن یا عدم الحاق به FATF اختصاص داد. صرف تصویب قوانین متعدد و اصلاحیه‌های صورت گرفته برای مبارزه با پول شویی نتوانسته است برای جلوگیری از محدودیت‌های مراودات مالی در جهان برای ما راهگشا باشد. هر چند در این یادداشت هدف بررسی حسن و معایب پیوستن به این گروه ویژه اقدام مالی ذیل توصیه شماره ۷ آن نیست ولی باید جای خالی بررسی‌های حقوقی بنیادی در حوزه بین الملل را خالی کرد تا پژوهشگران و دانشگاهیان بتوانند محدودیت‌ها و معذوریت‌های پیوستن به این موضوع را به خوبی برای تصمیم گیرندگان و حاکمیت روشن سازند.

در پایان باید گفت جایزه به یاد ماندنی‌ترین سکانس سریال جنگل آسفالت را باید به رقص همراه با اشک امیر جعفری در وسط جنگل اهدا کرد جایی که ایرج با ساز کوچک‌ترین عضو بدنه پولشویان، زخمی از ضربه‌های مهلک اقتصادی و رفتارهای ناخواسته غلط و شاید در جریان جرم‌های منشایی که نام بردیم در حال رقصیدن است. رقص با دست‌های گره‌کرده‌ای که فشار بر افرادی را نشان می‌دهد که در مسیر غلط ثروت‌اندوزی از راه‌های نامشروع گام بر می‌دارند و همه سرنوشتی تلخ مانند آل کاپون خواهند داشت.

منابع:

۱. محمد باقر گرایلی، پول شویی از منظر فقه و حقوق، ۴۱-۴۴، (۱۳۸۹).
۲. لایحه مبارزه با پول شویی، تصویب نهایی ۱۳۸۴.
۳. قانون مبارزه با پول شویی، با اصلاحات نهایی ۱۳۹۷.
۴. حسین میرمحمد صادقی، حقوق جزای بین‌الملل، مجموعه مقالات، ۳۳۳، ۱، (۱۳۹۴).